

ویژگی های زن در تفکر اسلامی

افراسیاب صالحی شهرودی^۱، مهدی مهدوی پناه^۲

^۱ عضو هیأت علمی گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی زاهدان

^۲ عضو هیأت علمی گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی زاهدان (نویسنده مسئول)

چکیده

متون اسلامی در عین اینکه جوهره انسانی زنان و مردان را یکسان معرفی کرده و راه دستیابی به کمالات انسانی و سعادتندی اخروی را برای هر دو گروه هموار دانسته اند، تفاوت هایی را هم میان آنها ذکر کرده اند که این تفاوتها به نوبه خود منشاء تفاوت در احکام و شرایط زنان در جامعه و خانواده گشته است. در این نوشتار دیدگاهی که اسلام در مورد ویژگی های خاص زنان مطرح کرده و در نهایت موجب وضع احکام خاص برای آنان گردیده مورد بررسی قرار گرفته است.

واژه های کلیدی: تفاوت زن و مرد، زن در خانواده، خانواده در اسلام، نظام خانواده

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تفاوت حقوق زنان و مردان در اسلام یکی از موضوعات مورد مناقشه در میان متفکران در حوزه مباحث اجتماعی بوده و می باشد؛ این در حالی است که در تفکر اسلام هیچ تفاوتی از نظر انسانی، میان زن و مرد نیست و زنان به مانند مردان، یک انسان تمام عیار، مستقل و مؤثر و ارزشمند هستند و در این زمینه هیچ گونه برتری و امتیازی بر همدیگر ندارند. بنابراین منشا تفاوت احکام فقهی و حقوقی میان زنان و مردان را در جایی غیر ویژگیهای مربوط به روح انسانی و ملکوتی، یعنی ابعاد جسمانی و روانی آنها باید جست.

نظام احسن که خداوند در هستی بنا نهاده است با توجه به نقشهای متفاوتی که برای هر موجود انتظار می رود، تنظیم شده است یعنی دست توانمند آفرینش، خصوصیات و ویژگی هایی را در هر موجود ایجاد کرده است که با انتظاری که از آن موجود وجود دارد همخوانی داشته باشد؛ به عنوان مثال زنان از نظر جسمی، ظریف تر و لطیف تر از مردان هستند و از نظر روحی، دارای احساسات و عواطف فراوان هستند، همچنین زنان نسبت به مردان، محتاطتر و صبورتر هستند و علاقه آن ها به خانواده و تدبیر امور منزل بیش از مردان است.

شاید همه اینها به این دلیل باشد که خداوند نقش مادری و همسری را برای زنان اراده کرده است و زنان با بهره گیری از ویژگیهای مورد اشاره به بهترین وجه این دو نقش را ایفا کنند و مؤثرترین و ارزشمندترین خدمت را به جامعه بشری ارائه دهند.

و شاید به همین جهت است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم السلام)، جهاد زنان را در راه خدا، خوب شوهرداری کردن و تربیت فرزند می دانند^۲ و حضرت زهرا (علیها السلام) که بهترین الگوی زنان مسلمان است از این که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) کارهای داخلی منزل را به او واگذار کردند و کارهای خارج از منزل را به عهده امیر مؤمنان علی (علیه السلام) گذاشتند^۳ ایشان لحظه ای از این جهاد مقدس و وظیفه سنگین غفلت نوزید و بار سنگین کارهای منزل و تربیت فرزندان را بر دوش می کشیدند و محیط خانه را طوری می آراست که خستگی از دل و روح همسر گرامیش زدوده شود.

در روایات اسلامی نیز به زیباترین شکل به این نکته که هر کدام از زن و مرد برای ایفای نقشی خاص خلق شده اند و از انجام کارهایی که خارج از توانایی استعدادی آنان است منع شده اند مثلاً اشاره شده که زنان لطیف و ظریف هستند ولی قهرمان نیستند که بتوانند کارهای سخت و خارج از توان خود را انجام دهند، یا گفتن اذان و اقامه رفتن به جماعت و جمعه حضور در تشیع جنازه، بلند گفتن تلبیه و ... قضاوت کردن، از زنان، برداشته شده است.

با توجه به همین واقعیتهاست که به زنان پیامبر (صلی الله علیه و آله)، توصیه شده است که در خانه های خود بمانند و از هرگونه جلوه گری ناپسند و آشکار کردن زینت خود در جامعه بپرهیزند، و در مقابل در قرآن مردان به دلیل توانمندی های بیش تر جسمی و عقلی، سرپرست و نگهبان زنان برشمرده شده اند.^۴

و در جایی دیگر، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «مردانی که خود را شبیه زنان می کنند و زنانی که خود را به شکل مردان در می آورند و کارهای مردانه انجام می دهند، ملعون و از رحمت خدا به دور هستند.» بر اساس این توضیحات

۱. طباطبایی، سیدمحمدحسین. پیشین. ج. ۴. ص ۱۴۴.

۲. مجلسی، محمدباقر. پیشین. ص ۲۵۵.

۳. همان. ص ۴۴.

۴. رحیمی، محمد رضا. پیشین. ص ۸۷.

رسیدگی زنان به امور خانه داری، و تربیت فرزند تا از قداست و ارزش معنوی برخوردار است، زیرا خداوند که سازنده و خالق انسانها است، میان زن و مرد این رسالت و وظیفه را برای زنان اراده کرده و اگر زن در این جایگاه به جنبه روحی و معنوی خود و خانواده خود بیش تر از جنبه ملکی و مادی اهمیت داد و در تربیت فرزندان تلاش شایسته کرد و آن ها را با اخلاقی نیکو و صفات الهی تحویل جامعه داد، این فرزندان بر جامعه تأثیر فوق العاده ای خواهند داشت و جامعه در روند صحیح و صراط مستقیم الهی حرکت خواهد کرد و به آن مدینه فاضله ای که وعده اش، را داده اند خواهند رسید و این دور از دسترس نیست. فقط باید به زن و مقام آن اهمیت داد و زن را در مسیری که خداوند متعال برای او در نظر گرفته قرار دهیم تا شاهد شکوفایی ملکات عالیة اخلاقی در اجتماع خود باشیم.^۵

هرچند در احکام اسلامی حضور زنان در اجتماع منع نشده است و حتی در برخی موارد ضروری دانسته شده، اما بزرگترین و عظیم ترین نقش زن مسئولیت خانه داری و تربیت فرزندان است و اگر این وظیفه را جا به جا کنیم؛ یعنی زن را در اداره به جای مرد بگذاریم و مرد را در خانه برای خانه داری و تربیت فرزند بگذاریم، نظم اجتماع به هم خورده، در تربیت فرزندان خلل وارد می شود، زیرا خدای مهربان معدنی از لطف و عنایت و عاطفه در قلب زن خلق کرده و به جای این ها در مرد جهد و کوشش و قبول کردن کارهای سخت را قرار داده تا مسئولیت های سنگین اجتماع را بر دوش خود بکشد.

۱- تفاوت ها و حکمت تفاوت های بین زن و مرد

در ادامه با فرض قرار دادن این وجود تفاوت های وجودی میان زن و مرد که نظر موافق انبوه عقلا را می تواند مؤیدی بر آن دانست به برخی تفاوت های تکوینی زن و مرد و آثار این تفاوت ها در منابع دینی می پردازیم.

البته در ابتدای بحث اشاره به این نکته هم مفید است که نتایج تحقیقات و آرای اندیشمندان علوم تجربی در این موضوع چنین بود که تا اوایل قرن هفدهم، وجود تفاوت های طبیعی میان زن و مرد، مورد تفاهم بوده و کم کم از قرن هفدهم، تمایزهای تکوینی، مورد تردید قرار گرفت. این اختلافات در قرن هجدهم شدت گرفت.

و در قرن نوزدهم و نیمه اول قرن بیستم، بررسی های علمی غالباً تفاوت های را تأیید می کرد ولی با استفاده از آزمایشات، تلاش می کردند تا خاستگاه تفاوت های روانی را در محیط و اجتماع جستجو کنند. پس از طرح نظریه داروین، پژوهش های بیش تری در اثبات تفاوت های تکوینی انجام شد که همزمان با پیشرفت علم و رواج تکنولوژی های دقیق در عکس برداری از مغز، شتاب بیش تری گرفت و یافته های جدید، بطلان نظر کسانی که قائل بودند این تفاوت ها، خاستگاه غیرطبیعی دارد، بیش از پیش روشن نمود.^۶

۱-۱- تفاوت های تکوینی

این تفاوت ها که ناشی از هدفمندی و طرح ریزی خالق حکیم هستی در تدبیر خلقت و در متن تکوین و طبیعت هستند در واقع ابزاری هستند برای دست یابی به اهداف متوسط و غایی از خلقت زن و مرد. بعضی از این تفاوت های تکوینی براساس متون دینی عبارت اند از :

۱. الهایی سحر، جواد. پیشین. ص ۹۹

۲. جمعی از نویسندگان. جستاری در هستی شناسی زن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). پنجم: ۶

۳. ۱۳۸۵ هـ.ش. ص ۴۵

۱-۱-۱- تفاوت جسمی در متون دینی

در روایات، با استفاده از الفاظی همچون ضعیفات القوی، گل لطیف، ریحانه و نیز با تحریک به مدارا و واگذار نکردن مسئولیت های سنگین جسمی به زنان، تفاوت های جسمی زن و مرد، مورد اشاره قرار گرفته است.^۷

۱-۱-۲- تفاوت در گرایش به زینت

اصل گرایش به زینت، امری فطری است و مورد سفارش آیات و روایات متعددی است.^۸

۱-۱-۳- تفاوت در حیا

در آموزه های روایی فراوانی، می توان به تفاوت زن و مرد در «حیا» فزونی این ویژگی در زنان نسبت به مردان پی برد. در این روایات بر خاستگاه طبیعی حیا و همراه بودن آن با زن، از بدو خلقت اشاره شده است. همچنین کم حیایی امری ناپسند شمرده شده است.^{۱۰}

۱-۱-۴- تفاوت در ادراک

یکی از بحث های پر دامنه در میان اندیشمندان دینی معاصر، بحث از تفاوت زن و مرد قوه ی عقل و ادراک است.^{۱۱} آن چه قطعی است، وجود خاستگاه طبیعی برای تفاوت عقلی میان زن و مرد است. اگر ادراک را به معنای پاسخ گزینشی هر فرد به محرک های بسیاری که در هر لحظه با آن روبرو است بدانیم، زنان از میان محرک های مختلف، آن چه را با احساسات و عواطف سرشار آنان تناسب بیش تری دارد را برمی گزینند.^{۱۲}

۱-۱-۵- تفاوت در خویشتن داری و صبر در مسایل جنسی

از مشاهده برخی روایات می توان، افزون بودن صبر در زنان نسبت به مردان در روابط جنسی را اثبات نمود و وجود این ویژگی در زنان سبب شده است که زنان با داشتن شهوت بیش تر و نیروی جسمی کم تر، در برابر میل جنسی مقاوم باشند و نبود صبر در مردان، با وجود شهوت کم تر و قدرت جسمی بیش تر، آنان را در برابر شهوت جنسی ضعیف تر گردانیده است.^{۱۳}

۷. حرعاملی، محمدبن حسن. وسایل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت الاحیاء التراث، ۱۴۱۶هـ.ق. ص ۴۵

۸. خویی، ابوالقاسم. معجم رجال الحدیث. قم: مدینه العلم. ۱۴۰۹ هـ.ق. ص ۵۴

۹. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب و دارالشریف الرضی. ۱۴۱۲هـ.ق. ص ۶۲

۱۰. زیبایی نژاد، محمد رضا. در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. سوم: هـ.ش^۱

۱۱. ص ۱۳۸۵. ص ۴۷

۱۲. شلسینگر، لارا. قدرت زن. ترجمه دنیس آژییری. تهران: نشر ثالث. اول: ۱۳۸۶هـ.ش. ص ۶۴

۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین. پیشین. ج ۶. ص ۷۸

۱۴. قرطبی، محمد بن احمد. جامع الاحکام القرآن. ج ۷. تهران: انتشارات ناصر خسرو. ۱۳۶۴. ش. ص ۳۵۴

۶-۱-۱- تفاوت در غیرت

در آموزه های دینی بر تفاوت زن و مرد در غیرت ورزشی تاکید شده و بر مبنای طبیعی آن صحنه گذارده شده است. در روایات به اختصاص غیرت به مردان اشاره شده است.

علما و دانشمندان متعددی از مضمون تعدادی از آیات و روایات، این خصوصیات را احصاء و بیان کرده اند.^{۱۴}

که امام علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كُفْرٌ، وَغَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيْمَانٌ» (غیرت زن کفر آور و غیرت مرد نشانه ایمان اوست).

۷-۱-۱- عاطفه ورزشی، دگر خواهی و تأثیر پذیری

به تعبیر شهید مطهری، این یکی از تدابیر حکیمانه و شاهکارهای خلقت است که در غریزه مرد، نیاز و طلب و در غریزه زن، ناز و جلوه گری قرار داده است.

لذا خلقت هدفمند، مرد را مظهر طلب و عشق، و زن را مظهر محبوبیت و معشوقیت قرار داده است.^{۱۶}

خواست فطری زن است که دیگران دوستش بدارند و به او مهر بورزند، در حالی که مرد طبعاً می خواهد که دیگران را دوست بدارد و به آنان مهر بورزد... زن در جستجوی محب است و مرد به دنبال محبوب.^{۱۷}

۲-۱- تفاوت در احکام تشریحی

تفاوت های تکوینی که بر اساس حکمت های الهی در وجود زن و مرد نهاده شده، خود عامل ایجاد تفاوت های فراوان در احکام تشریحی میان آنها گشته، از منظر دیگر تشریح مجموعه معارف و مقررات الهی و چراغ راهنمایی است که راه به کارگیری استعداد های طبیعی برای نیل به مقصود را پیش روی انسان قرار می دهد یعنی تکوین بستر و مجرای تشریح است و هر دو در راستای یک هدف به وجود آمده اند و با هم متناسب و هم جهتند؛ در نتیجه از وجود تفاوت های تشریحی می توان به وجود تفاوت های تکوینی که عامل اختلاف در احکام و وظایف است پی برد.^{۱۸} و ما این تفاوتها را در مواضع مختلفی مانند تمایز وظایف و تکالیف در حجاب، پوشش، مهریه، نفقه، چند همسری، طلاق، سلسله مراتب و وظایف در زندگی زناشویی، ارث، شهادت، حج، نماز، روزه، غسل و ... شاهدیم.^{۱۹}

۱۴. گرت، تونی. زن بودن. ترجمه فروزان گنجی زاده. تهران: اورجوند. ۱۳۸۶ ه. ش. ص ۶۵

۱۵. شریف، سید رضی. نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات امیر المؤمنین (علیه السلام). سوم: ۱۳۸۷ ه. ش. ص ۴۶۵

۱۶. مطهری، مرتضی. نظام حقوق زن در اسلام. قم: صدرا. هشتم: ۱۳۵۷ ه. ش. ص ۴۸

۱۷. هاشمی رکاوندی، سید مجتبی. روانشناسی زن. قم: نشر شفق. ۱۳۷۰ ه. ش. ص ۸۷

۱۸. الهایی سحر، جواد. پیشین. ص ۳۱

۱۹. جواد آملی، عبدالله. پیشین. ص ۱۱۲

انسان موجودی اجتماعی است و نمی تواند امور خود را به تنهایی انجام دهد و نیازمند برقراری ارتباط با دیگران است. در تفکر اسلامی، ارتقای هر یک از اعضای خانواده و اجتماع، تا حدود زیادی در گرو ارتقای اعضای دیگر است از این رو، افراد یک جامعه از جمله مرد و زن، کمال خود را در کمال سایر افراد می دانند. این حس نیاز متقابل، موجب ایجاد پیوند متقابل در قالب احساس نیاز به مکمل می شود که در گرو رفع نواقص خویش در تعامل با افراد دیگر است. البته هدف خداوند از خلقت زن و مرد یک چیز است، ولی برای رسیدن به این هدف، مسیرها، استعدادها و ظرفیت های متفاوتی را در زن و مرد قرار داده است.

در واقع نقش هایی که طبیعت بر عهده مرد و زن گذاشته متفاوت است و الزاماً باید ابزار ایفای این نقش را در اختیار او گذارد. وجود تفاوت ها یاری گر هر یک از دو جنس در انجام وظایف و نقش هاست. به همین جهت در روایات، جهاد مردان، بذل مال و جان در راه خدا و جهاد زنان، شوهرداری نیکو و صبر بر بدخلقی همسر می باشد.^{۲۰}

تشریح نیز کاملاً متناسب با این تفاوت های تکوینی است. به گونه ای که خداوند بر اساس هدفمندی، به منظور نیل به غایات آفرینش، تفاوت هایی میان زن و مرد قرار داده و استعدادها و توانایی هایی متناسب با مسئولیت ها و وظایف به آن ها عطا کرده و قوانین خویش را به منظور هموار ساختن راه دست یابی به غایت های آفرینش تنظیم نموده و در تمام این قوانین، وضع مقررات را با لحاظ تفاوت طرح ریزی کرده است.^{۲۱}

به طور خلاصه می توان گفت راز تفاوت ها، تشکیل نظام خانوادگی و حفظ پیوندهای اجتماعی از طریق احساس نیاز دو جنس به یکدیگر است. باید توجه داشت که بسیاری از مشکلات موجود جامعه بشری، مولود انحطاط خانواده است و یکی از عوامل مهم تضعیف خانواده، بی توجهی به تفاوت ها و کنار گذاشتن نقش هایی است که هر یک از اعضای خانواده می بایست متناسب با ویژگی ها و استعدادهای خود انجام دهد یعنی بی توجهی به استعدادها و تمایزات، که طرح ریزی حکیمانه خالق هستی برای سعادت بشری است می تواند موجب از میان رفتن احساس نقص و کمبود در هر یک از دو جنس و کاهش جذابیت آنان برای یکدیگر گردد.

از دیگر نتایج بی تفاوتی به تمایزات و تلاش درصدد تغییر آن ها این است که مردان برای انجام مسئولیت های خود را سرپرستی خانواده، هیچ آموزش و مهارتی را فرا نمی گیرند و زنان نیز نمی آموزند که چگونه می توانند نقش مادری و همسری را به درستی ایفا کنند. آن ها اصولاً نمی توانند هضم کنند که در خانواده، سلسله مراتب طولی برقرار بوده و جایگاه پدر، مادر و فرزندان متفاوت و هر یک از آنان، نقش ویژه و متمایزی بر عهده دارد. حاصل آن چیزی جز افزایش خصومت های خانوادگی، طلاق و از هم پاشیدگی خانواده نخواهد بود. پدر از زیربار مسئولیت خویش شانه خالی کرده و مادر، اشتغال تمام وقت خویش را نسبت به تربیت فرزند در اولویت قرار می دهد. فرزندان نیز حاضر به اطاعت از پدر و مادر نبوده و به بهانه استقلال طلبی، هرگونه نظارت و کنترل پدر و مادر بر رفتار خویش را بر نمی تابند. با این تفاوت هایی که در این جا گفته شد آیا تساوی بین زن و مرد درست است یا تشابه بین آن دو؟ باید گفت که اصلی که در این استدلال به کار رفته این است که لازمه اشتراک زن و مرد در حیثیت و ظرافت انسانی، یکسانی و تشابه آن ها در حقوق است. تساوی غیر از تشابه است؛ تساوی برابری است و تشابه یکنواختی. ممکن است پدری ثروت خود را به طور متساوی میان فرزندان خود تقسیم کند اما به طور متشابه تقسیم نکند. کمیت غیر از کیفیت است، برابری غیر از یکنواختی است. آن چه مسلم است این است که اسلام حقوق یک جور و یکنواختی برای زن و مرد قائل شده است، ولی اسلام هرگز امتیاز و

۲۰. گمبل، سارا و هام گلی. فرهنگ نظریه های فمینیستی. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: توسعه. ۱۳۸۲. ص ۶۴

۲۱. یزدانی، عباس. فمینیسم و دانشهای فمینیستی. قم دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. ۱۳۸۲. ص ۹۸

ترجیح حقوقی برای مردان نسبت به زنان قائل نیست. اسلام اصل مساوات انسان ها را درباره زن و مرد نیز رعایت کرده است. اسلام با تساوی حقوق زن و مرد مخالف نیست، با تشابه حقوق آن ها مخالف است.^{۲۲}

اسلام در روابط و حقوق خانوادگی زن و مرد فلسفه خاصی دارد که با آن چه در چهارده قرن پیش می گذشته مغایرت دارد و با آن چه در جهان امروز می گذرد نیز مطابقت ندارد. از نظر اسلام زن و مرد هر دو انسانند، از حقوق انسانی متساوی بهره مندند آن چه از نظر اسلام مطرح است این است که زن و مرد به دلیل این که یکی زن است و دیگری مرد، در جهات زیادی مشابه یکدیگر نیستند، جهان برای آن ها یک جور نیست، خلقت و طبیعت آن ها را یکنواخت نخواست است و همین جهت ایجاب می کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازاتها وضع مشابهی نداشته باشند. کلمه تساوی و مساوات چون مفهوم برابری و عدم امتیاز در آن ها گنجانیده شده است. جنبه تقدس پیدا کرده اند. اسلام در همه جا برای زن و مرد حقوق مشابهی وضع نکرده است، همچنان که در همه موارد برای آن ها تکالیف و مجازاتهای مشابهی وضع نکرده است.^{۲۳}

۳-۱- شخصیت زن از دیدگاه امام علی (علیه السلام)

به نظر می رسد مروری بر دیدگاه امام علی (علیه السلام) بعنوان یکی از تبیین کنندگان آموزه های اسلام می تواند در شفافیت بحث مفید باشد از این رو در ادامه دیدگاه ایشان را اشاره وار طرح می کنیم

همان طور که قبلاً اشاره کردیم، قرآن کریم، از طرفی زن را یک انسان کامل برخوردار از تمامی مواهب الهی و دارای هویتی انسانی مشترک با مردان و برخوردار از کمالهای معنوی و بالندگی و برخوردار از حقوق انسانی مساوی با مردان می داند و در حدی که نمونه عالی ایمان برای ایمان آورندگان را یک زن معرفی می کند و از سوی دیگر نمونه بارز کفر را هم از زنان معرفی می کند.^{۲۴}

تمامی آن چه را که از منظر قرآن و اسلام در رابطه با زن بیان کردیم، در اندیشه تابناک مولای متقیان (علیه السلام) هم نسبت به زنان قطعاً وجود دارد. چطور ممکن است که از دیدگاه قرآن، زن یک انسان کامل و برخوردار از حیات طیبه و دارای بالندگی باشد ولی حضرت علی (علیه السلام)، یعنی قرآن ناطق، زن را موجودی ناقص العقل و ناقص الایمان و یا عباراتی چون عقرب، شر واز آن ها یاد نماید. و این تعارض آشکار بین کلام قرآن و کلام مبین و مفسر قرآن را چگونه می شود توجیه کرد. در حالی که نهج البلاغه برگردان از قرآن است، محتوای نهج البلاغه همان قرآن است که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) آن را در قالبی نوین ریخته است. با این تفاوت که قرآن به صورت کلی و بر فراز عصرها و نسل ها سخن گفته است. اما مطالب نهج البلاغه در بسیاری مواضع مربوط به زمان یا ملت خاص می باشد و بدین وسیله به ما نشان داده است که چگونه می توان مسایل کلی قرآن را در مورد ملتی به مطالعه گذاشت و با زندگی یکی جامعه آن را مطابقت داد. بنابراین بررسی نهج البلاغه جدای از قرآن مانند نگرستن به کالبدی بی روح است؛ تفکیک قرآن از نهج البلاغه، تفکیک روح از کالبد است. به عبارت دیگر زبان علی (علیه السلام) زبان الهی است، یعنی زبانی که به وحی تکیه دارد، زبان علی (علیه السلام) زبانی است که ضمن نشان دادن معادن، آغاز راه، شقوق مختلف و تجزیه معادن و راههای دسترسی به آن ها را نیز نشان داده است.^{۲۵}

۲۲. مطهری، مرتضی. مجموعه آثار ج. ۱۹. قم: انتشارات صدرا، نوزدهم: ۱۳۸۰ه ش. ص ۶۳۰

۲۳. مطهری، مرتضی. پیشین. ص ۶۳۸

۲۴. علایی، فاطمه. زن از دیدگاه نهج البلاغه. قم: انتشارات اداره تبلیغات اسلامی. ۱۳۸۹ش. ص ۶۵

۲۵. علایی، فاطمه. پیشین. ص ۶۷

وقتی از تاریخ سخن می‌گویید، نموده‌های بنیادی از فلسفه تاریخ را برملا می‌سازد، هنگامی که از روانشناسی سخن می‌گویید بستری را می‌گسترده که در آن مجهولاتی از روان انسان را معلوم می‌نماید. و وقتی از جامعه سخن می‌گویید دریچه‌های جامعه‌شناسی را نیز می‌گشاید. برای این است که می‌گوییم زبان علی (علیه السلام) زبانی است که از یک سو به وحی الهی متصل است و از سوی دیگر به عقل جزئی انسان. او با اتکاء به وحی راه تخصص را می‌پوید. آن چه که در نهج البلاغه از زن ترسیم شده است، طرحی از چهره کامل زن در قرآن است و همان طور که قرآن از زن هم به عنوان نمونه عالی ایمان در قرآن یاد می‌برد و هم به عنوان نمونه عالی کفر و از دو جهت و از دو بعد به مسأله زن می‌پردازد. نتیجه کلام این که: برای فهمیدن سیما و چهره شخصیت زن در نهج البلاغه باید به قرآن مراجعه کرد و در کنار قرآن و با تطبیق با قرآن به مطالعه نهج البلاغه پرداخت.^{۲۶}

یکی دیگر از اصولی که برای درک بهتر شخصیت زن از منظر امام علی (علیه السلام) باید به آن توجه نمود، مسأله سیره عملی حضرت است در ارتباطات خانوادگی و شخصی با همسران و دختران خود، زیرا همان طور که می‌دانیم شأن امام و معصوم این است که عملکرد وی برخوردار از معیار و اصول صحیح باشد. به این معنی که رفتار امام از هرگونه هرج و مرج و بی‌قاعدگی به دور است. و رفتار وی بر اساس یک سلسله معیارهای مشخص می‌باشد، طبیعتاً برخورد عملی حضرت در رابطه با زنان برگرفته از همان معیارها و اصول فکری حاکم بر امام است. اگر اصول حاکم بر تفکر امام نسبت به شخصیت زن، حکایت از نقصان و شر بودن داشته باشد، حتماً بر سیره عملی حضرت این اصول باید حاکم باشد و امام با توجه به این اصول فکری با خانواده خود و یا خانمهای دیگر جامعه برخورد می‌کرد. مثلاً گر چه امام در سخنی از سخنان خود فرمودند: «عَقُولُ النِّسَاءِ فِي جَمَالِهِنَّ وَ جَمَالُ الرِّجَالِ فِي عَقُولِهِمْ»^{۲۷} و معنای دستوری از آن فهمیده می‌شود و نه معنای وصفی؛ یعنی منظور این حدیث شریفه این نیست که این حدیث درصدد وصف دو صنف از انسان می‌باشد که عقل زن درجمال او خلاصه می‌شود تا جنبهٔ نکوهش داشته باشد و جمال مرد در عقل او تعبیه شده است تا عنوان ستایش بگیرد، بلکه ممکن است معنای آن، دستور یا وصف سازنده باشد نه وصف قدح و نکوهش؛ یعنی زن موظف است و یا می‌تواند عقل و اندیشهٔ انسانی خویش را در ظرافت عاطفه و زیبایی گفتار و رفتار و کیفیت محاوره و مناظره و نحوهٔ برخورد و حکایت و نظایر آن ارائه دهد چنان که مرد موظف است و می‌تواند هنر خود را در اندیشهٔ انسانی و تفکر عقلانی خویش متجلی سازد.^{۲۸}

ولی آن چه که از چگونگی برخورد حضرت بالاخص در برخورد با خانواده به ما رسیده است نشان دهنده این مسأله مهم است که شخصیت زن در منظر امام، از یک جایگاه بالای انسانی و برخوردار از تمامی کمالات است و در واقع اصول حاکم بر رفتار امام با زنان، همان اصول برگرفته از قرآن است که این اصول منجر به برخوردی بسیار پسندیده و قابل تحسین با زنان گردیده است. در این جا به صورت گذرا و مختصر به برخی از این رفتارها اشاره می‌شود.^{۲۹} حضرت علی (علیه السلام) معصوم بوده و تمام گفته‌های او حجت است ولی برای تثبیت مطلب به سخن همسر خود فاطمه زهرا (سلام الله علیها) تمسک می‌کند. و معنی این مسأله این است که حضرت علی (علیه السلام) همان طور که حرف خود را حجت می‌داند، رفتار و گفتار و نوشتار حضرت زهرا (سلام الله علیها) را هم حجت خدا می‌داند و از این نظر هیچ گونه تمایزی بین زن و مرد قایل نیست. یکی دیگر از جلوه‌های عملی و قولی برخورد حضرت علی (علیه السلام) با حضرت زهرا (سلام الله علیها) این است که حضرت علی (علیه السلام) در مجموع افتخاراتی که برای خود قایل است و به آن فخر می‌فروشد به وجود مبارک حضرت فاطمه (سلام الله علیها) به عنوان همسر خود مباحث می‌کند. مباحثات به وجود همسر توسط امام باز یکی دیگر از مسایلی است که حکایت از جایگاه والای زن در منظر امام دارد. امام علی

۲۶. جمالی، نصرت‌الله. زن در نهج البلاغه. قم: انتشارات مهدیه. ۱۳۸۱ ش. ص ۴۸

۲۷. شریف، سید رضی. پیشین. م. ۱۲۴. ص ۳۰۹

۲۸. جوادی آملی، عبد الله. زن در آینه جمال و جلال. تهران: نشر اسراء. ۱۳۸۵ ه. ش. ص ۸۷

۲۹. جمالی، نصرت‌الله. پیشین. ص ۳۶۷

(علیه السلام) درباره حضرت زهرا (علیها السلام) چنین می فرماید: « وقتی به خانه می آمدم و به زهرا نگاه می کردم تمام غم و اندوهم برطرف می شد.»^{۳۰}

در کتب روایی ما آمده است که حضرت علی (علیه السلام) وقتی مشاهده می کردند که انجام امور منزل برای همسرشان سخت است و او را آزرده خاطر می کند، احساس دلسوزی و نگرانی داشتند و خودشان سعی می کردند در انجام امور منزل مشارکت داشته باشند تا این بار را کم کنند و با زهرا (سلام علیها) همدلی نمایند. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: زهرا (علیها السلام) به قدری در منزل آب می کشید که اثر طناب در سینه او مشاهده می گردید و به قدری دستاس می کشید که دستهایش پنبه بسته بود و به قدری خانه را رفت و روب می کرد که غبار بر لباس او می نشست و به قدری آتش در زیر دیگ می سوزانید که لباس او رنگش تغییر کرده بود و دائماً آن از خدمت به خانه به زحمت بود. به همین جهت حضرت علی (علیه السلام) به دیگران سفارش می کردند: « **وَلَا تُحْمَلُوا النِّسَاءَ أَثْقَالَكُمْ...** »^{۳۱} (بارهای سنگین خود را به دوش زنان نگذارید). به همین جهت حضرت خودشان بار منزل را حمل می کردند. و بعد از ضربت خوردن فرزندان خود را حاضر ساخت و به آنان و همه انسان ها در طول تاریخ سفارش های ارزشمند نمود و در ضمن آن توصیه ها، سفارش زنان را کرد: « **اللَّهُ اللَّهُ فِي النِّسَاءِ ... فَإِنَّ آخِرَ مَا تَلَكُم بِهِ نَبِيِّكُمْ أَنْ قَالَ أَوْصِيَكُمْ بِالنِّسَاءِ...** »^{۳۲} (خدا را، خدا را، درباره زنان، ... آخرین سخنی که پیامبر شما بر زبان راند این بود که فرمود سفارش زنان را به شما می کند).

نتیجه گیری

بنابراین از دیدگاه اسلام و رهبران بزرگی چون امام علی (علیه السلام) زن به عنوان رکن مهم زندگی و متمم حیات انسانی و عضو مهم و مؤثر جامعه بشری قلمداد می شود و او را در رأس امری عظیم قرار دارد که تربیت نسل بشر است؛ یعنی در دامن زن است که انبیاء الهی و اولیاء و بزرگان برای خدمت به بشریت، تربیت می شود و صد البته برای بواسطه رسالتی که بر عهده دارد تفاوتی با مرد در وجود او نهاده شده و به همین دلیل در احکام شرع هم این تفاوتها لحاظ گردیده است اما هیچ کدام از این تفاوتها که میان زن و مرد وجود دارد دلیل بر برتری یکی بر دیگری نیست بلکه معیار ارزشمندی تقوی بوده و شکوفا کردن استعدادهای خدادادی در هر سطحی که به فرد عطا شده است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۳۰. مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار الجامعة الاخبار. ج ۴۴. مؤسسه الوفاء. سوم: ۱۴۰۴ هـ. ق. ص ۴۸۷

۳۱. شریف، سید رضی. پیشین. ن ۳۲. ص ۴۸۵

۳۲. شریف، سید رضی. پیشین. ن ۳۱. ص ۴۸۳

منابع

قرآن مجید

- الهایبی سحر، جواد. سیری در کمالات زن. قم: عصر رهایی. اول: ۱۳۸۸ هـ.ش.
- جمالی، نصرت الله. زن در نهج البلاغه. قم: انتشارات مهدیه. ۱۳۸۱ ش.
- جمعی از نویسندگان. جستاری در هستی شناسی زن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره). پنجم: ۱۳۸۵ هـ.ش.
- جوادی آملی، عبد الله. زن در آینه جمال و جلال. تهران: نشر اسراء. ۱۳۸۵ هـ.ش
- حرعاملی، محمد بن حسن. وسایل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت الاحیاء التراث، ۱۴۱۶ هـ.ق. ص ۲۵
- خویی، ابوالقاسم. معجم رجال الحدیث. قم: مدینه العلم. ۱۴۰۹ هـ.ق.
- دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ارشاد القلوب و دار الشریف الرضی. ۱۴۱۲ هـ.ق.
- رحیمی، محمد رضا. زنان نامدار شیعه. تهران: رایحه عترت. اول: ۱۳۸۱.
- زیبایی نژاد، محمد رضا. در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. سوم: هـ.ش ۱۳۸۵.
- شریف، سید رضی. نهج البلاغه. ترجمه محمد دشتی. قم: انتشارات امیر المؤمنین (علیه اسلام). سوم: ۱۳۸۷ ش.
- شلسینگر، لارا. قدرت زن. ترجمه دنیس آژیروی. تهران: نشر ثالث. اول: ۱۳۸۶ هـ.ش.
- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: دار الکتب الاسلامیه. ۱۳۷۴ هـ.ش.
- علائی، فاطمه. زن از دیدگاه نهج البلاغه. قم: انتشارات اداره تبلیغات اسلامی. ۱۳۸۹ ش.
- قرطبی، محمد بن احمد. جامع الاحکام القرآن. ج ۷. تهران: انتشارات ناصر خسرو. ۱۳۶۴ ش.
- گرت، تونی. زن بودن. ترجمه فروزان گنجی زاده. تهران: ورجاوند. ۱۳۸۶ هـ.ش.
- گمیل، سارا و هام گلی. فرهنگ نظریه های فمینیستی. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: توسعه. ۱۳۸۲ هـ.ش.
- مجلسی، محمدباقر. بحار الانوار الجامعة الاخبار. ج ۴۴. مؤسسه الوفاء. سوم: ۱۴۰۴ هـ.ق
- مطهری، مرتضی. مجموعه آثار. قم: انتشارات صدرا. نوزدهم: ۱۳۸۰ هـ.ش.
- مطهری، مرتضی. نظام حقوق زن در اسلام. قم: صدرا. هشتم: ۱۳۵۷ هـ.ش. ص ۴۸
- هاشمی رکاوندی، سید مجتبی. روانشناسی زن. قم: نشر شفق. ۱۳۷۰ هـ.ش
- یزدانی، عباس. فمینیسم و دانشهای فمینیستی. قم: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان. ۱۳۸۲ هـ.ش